

تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۱۲)

کنگره تحقیقات ایرانی (ایران‌شناسی)

نخستین کنگره «تحقیقات ایرانی» با نام «کنگره ملی ایران‌شناسی» به اهتمام مشترک دانشکده ادبیات و علوم انسانی و کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در شهریور ۱۳۴۹ در آن دانشگاه برگزار شد.

پیشنهاد و مناسبت تشکیل آن را ضمن نامه مشروحه به دکتر حسین نصر که رئیس دانشکده ادبیات بود دادم. در آن نامه گفته بودم پیشرفت مطالعات ایرانی با گسترش فعالیت‌های کتابخانه مرکزی مرتبط است و چون ضرورت دارد محققان ایرانی از کارهای یکدیگر آگاهی داشته باشند تشکیل کنگره ملی ایران‌شناسی از بهترین راه‌های رسیدن به این مقصود است و کتابخانه مرکزی می‌تواند با اشراف شما این خدمت را عهده‌دار شود. دکتر نصر با تشویق و مسرت موضوع را پذیرفت و موافقت دانشکده ادبیات را به رئیس دانشگاه (دکتر علینقی عالیخانی) اعلام کرد. دکتر عالیخانی هم با علاقه‌مندی موافقت کرد که نخستین کنگره در شهریور ماه تشکیل شود. چندین نفر درین کنگره شخصاً نام‌نویسی کردند. کنگره دعوتی نبود. رایگان هم نبود. هرکس می‌خواست شرکت کند می‌بایست یکمصد تومان بدهد. گرفتن این مبلغ از باب آن بود که شرکت‌کننده واقعاً به تمایل خود شرکت کند و بداند کنگره تشریفاتی نیست. آن ایام این مبلغ نزدیک به هشت برابر اشتراک مجلات ادبی مانند یغما و سخن و راهنمای کتاب بود.

مقصود از نگارش این یادداشت کوتاه فقط یادآوری دو اعتراضی است که نسبت به کنگره اول شد و در آن جریان دکتر عالیخانی و دکتر نصر و من دچار بدان مشکل و حیرت شدیم.

این دو اعتراض پس از پخش کتابچه برنامه و رقعه دعوت شرکت در جلسه و چند روز پیش از افتتاح نخستین جلسه عنوان شد. اعتراض نخست را شجاع‌الدین شفا کرد. گفت نباید نام کنگره ایرانشناسی باشد. اعتراض پرخاشانه او شاید به مناسبت آن بود که نامش بر روی کتاب «جهان ایرانشناسی» آمده بود و نخستین کنگره جهانی ایرانشناسی را تصدی صورتی کرده بود و قصد کرده بود مجله ایرانشناسی هم بعداً انتشار بدهد. اعتراض دوم از جانب وزیر فرهنگ و هنر به رئیس دانشگاه شده بود ازین بابت که امور «ملی» فرهنگی مربوط به آن وزارتخانه است و اگر روزی قرار باشد کنگره ملی برپا شود آن کار می‌باید در عهده کفایت وزارت مذکور باشد. ما کنگره را برگزار کردیم ولی در پایان در قبال این دو اعتراض که از جانب دو مقام رسمی شده و ممکن بود ریشه کنگره را بزنند اعلام کردیم که کنگره بعدی با نام «تحقیقات ایرانی» در شهریور ۱۳۵۰ در دانشگاه مشهد تشکیل خواهد شد و دکتر جلال متینی آن را به صورت دلپذیری اداره کرد.

آشپزی پارسی

به مجله راهنمایی و تبلیغاتی Londinium (شماره پاییز ۱۹۹۶) که در لندن منتشر می‌شود می‌نگریستم. توجهم به مقاله‌ای کشید که درباره خوراکیهای هندی و رستورانهای مخصوص آنها بود. آنجا ذکری از «کافه ادویه» لندن شده بود و اینکه مدیرش مردی است به نام سیروس تادی والا از پارسیان هندوستان و از دست پروردگان گروه «تاج» (Taj) - و باید دانست تاج محل از هتلهای بسیار نام‌آور و اعیانی هندست که نامش برگرفته از آرامگاه زیبا و دیدنی تاج‌محل در آگره است.

درین نوشته کوتاه گفته شده است پارسیان که از ایران به هندوستان مهاجرت کردند ترتیب پخت و پز ایرانی را با خود به گجرات که پهنه ورود نخستین آنها بود آوردند. از مختصات آشپزی آنها استفاده کردن از میوه (تازه یا خشک) در تهیه غذاست مانند زردالو یا مرغ (به نوشته او زردالو مامرغی - البته زردالو را به غلط جردالو Jaldaloo نوشته است).

نویسنده مقاله از جمله غذاهایی که توسط تادی والا پخته می‌شود خروگوس Kharu-gos را نام می‌برد که می‌باید کلمه‌ای فارسی باشد. یکی از غذاهای هندوستانی که درین مقاله نامش آورده شده «غذای گوشتی» است که از گوشت گوسفند درست می‌کنند. صورت انگلیسی نام مذکور را Kadai Gosht آمده است.

از دیگر کلمات مصطلح در خوراک پزی هندی که درین مقاله یاد شده کلمه Masala است که در متون مربوط به طعام عصر تیموریان هند «مصالح» آمده است و از زبان فارسی به زبان اردو وارد شده است و در هندوستان بطور رایج مورد استعمال دارد. نویسنده در پایان مقاله متذکر شده است که خوراک‌پزی حیدرآباد متأثر از اصولی است که میان بازرگانان عرب مروارید و خانواده‌های «خان» رواج داشته است.

تاکنون در زبان فارسی ایران (تا عصر قاجاری) دو متن درباره آشپزی به دست آمده و آن هر دو از عصر صفوی است اما در زبان فارسی هندوستان ده کتابی درباره پخت و پز هست که از بهترین آنها «خوان نعمت» است که چند بار در هندوستان به چاپ رسیده بود و اخیراً در امریکا با توضیحاتی مفید تجدید چاپ شده است.

خرستان

در شماره پیشین کلک به نقل از وقفنامه قلاوون مصری آورده شد که در قرن هفتم اعراب بعضی از اصطلاحات فارسی مربوط به بنا و خانه را می نوشته و آنها را تکلم و تحریر می کرده اند. پس از آن در مجلسی از یوسف ایش لبنانی و ابراهیم شبح شنیدم که از سه اصطلاح «روشن» و «دربزین» و «خرستان» هنوز در لبنان گفته می شود و آن قسمتی از ساختمان است. شبح گفت که از «روشن» و ایوانکی از خانه است که آن را در زبان فرانسه «بالکون» می گویند. دربزین را هر دو می شناختند و می دانستند که در بسیاری از متون قدیم عربی ذکر آن هست.

درگذشت تلگدی

زیگموند تلگدی از ایرانشناسان ناموری است که در ایران ناماوری همگانی نیافت زیرا از بلاد هنگری بود و نوشته هایش بیشتر در زمینه زبانشناسی و فرهنگ ایران باستان. نمی دانستم در مارس ۱۹۹۴ از جهان رفته است تا اینکه شماره تازه مجله *Acta Orientalia* (چاپ بوداپست) رسید. دیدم مجله یادگار نمای ویژه اوست که او ااجر میاس مدیریت این یادگارنامه را عهده دار و ضمناً در یادداشت کوتاه خود یادآور شده است که خطابه های خوانده شده در سمپوزیوم ایرانشناسی وین (به مناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس شعبه ایرانشناسی آکادمی وین) که به اهتمام ی. شیندلر برگزار شده بود نیز به نام تلگدی اختصاص یافته بود.

تلگدی از سال ۱۹۳۳ به نگارش مقالات علمی و تحقیقی پرداخت و نوشته هایش از قبیل «یادداشت، پهلوی»، «مباحث آوایی در تلمودآرامی که از فونتیک ایرانی است»، «یادداشت درباره دستور زبان سفدی»، «دستور تاریخی فارسی»، «ملاحظات درباره کلمات عربی در فارسی»، «سعدی و گلستان» به زبانهای فرانسوی و آلمانی و مجاری منتشر شده است.

در مجله «آکتا اورینتالیا» که به یادگارنامه تلگدی اختصاص داده اند مجده مقاله درج شده است که از اهم آنهاست: مری بویس (درباره هرمان اته مورخ ادبیات فارسی)، برت فراگتر (تاریخ بیگدلیان از میان اسناد)، یانوس هاراماتا (کتیبه های سفدی)، هلموت هومباخ (نام قدیم هند و کشمیر)، اواجر میاس (درباره دستور زبان فارسی تألیف پودستا در ۱۶۹۱)، ژیلبر لازار (دو حکایت فارسی محلی از نای بند)، نیکولاس ماروس (نقش قیاس در نحو عربی)، ایستوان نیترای (یک حماسه تاریخی فارسی در عثمانی)، آنتونیو پانای نو (منشأ نام پهلوی بُرز)، جان پری

Akademie věd České republiky
Orientální ústav

Jiří Bečka

IRANICA BOHEMICA ET SLOVACA
LITTERAE



Praha 1996

(نشانه تأیید در آخر کلمه)، آنجلو پیه موتسه (زبان عربی در تحقیق بلترامو مینیانلی ۱۴۴۳)،
شاکد (دفتر پادشاهی - مطالعه ایرانی آرامی)، ورنر زوندرومان (درباره کلمه‌ای سفدی)، بائو
اوتاس (یک داستان یونانی در بلاد اسلامی).

ایران‌شناسی در چک و اسلواک

از یرژی بچکا ایران‌شناس بنام کتابی منتشر شده است به نام «مطالعات ایران شناسی در چک
و اسلواک» (Iranica Bohemica et Slovaca) و کتاب از انتشارات بخش شرق‌شناسی آکادمی
چک است که با همکاری سفارت ایران انتشار یافته.

کتاب دارای مقدمه‌ای مبسوط به چکی است در تاریخچه ایران‌شناسی و مطالعات مربوط به
آن در چک و اسلواک: سپس مشخصات ۱۷۱۵ کتاب و مقاله که در آن کشور درباره ایران و زبان
فارسی انتشار یافته آورده شده است.

نخستین نشانه‌ای که در مطالعات ایرانی آن کشور توانسته‌اند برشمارند سفر
Odorica Bohemus در قرن چهاردهم میلادی به ایران است.
ملخصی از نوشته بچکا به زبان انگلیسی و فارسی در کتاب آورده شده.

خبری از اردشیر جی

عین السلطنه سالور (قهرمان میرزا) در یادداشت روز ۱۶ صفر ۱۳۲۷ نوشته است:

INDEX ISLAMICUS

SUPPLEMENT
1665 - 1980

Part 1

A bibliography of articles on
Islamic subjects in periodicals and
other collective publications

by
W. H. Behn

Adiyok

۸۰

«شهرت کرده بود پانف طهران آمده و گفته بودند شبیه اردشیر جی زرتشتی است. یک شب قزاقها با وجود آنکه گفته بودند شبیه اردشیر جی است خود اردشیر را گرفتند. صبح معلوم شد و عذر خواسته مرخص شد.» پائوف از انقلابیون بلغاری بود که به گیلان آمد و ذکرش در تواریخ مشروطه مذکورست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شرقشناسی

از روزی که Dugat تاریخ شرقشناسی را منتشر کرد (قرن گذشته) و از روزگاری که بارتلد کتاب کشف آسیا را به نگارش درآورد کتاب مهم پرخواننده و پرآوازه‌ای که درباره این رشته از تحقیقات منتشر شد کتاب «شرقشناسی» ادوارد سعید بود اینک کتاب تازه‌ای با نام *Orientalisme; history, Theory and arts* به قلم جان م. مکنزی (او را با مکنزی ایرانشناس پهلوی دان نباید خلط کرد) که در سال ۱۹۹۵ توسط دانشگاه منچستر نشر شده است.

زند و همن یسن

The Zand i Wahaman Yasn * نام کتابی است به قلم C.G.Creti که توسط مؤسسه «ایزمثو» در سال ۱۹۹۵ در رم نشر شده است. (Serie Orientale Roma: 75)



و. بئن W.H. Behn دو ضمیمه دیگر مربوط به فهرست مقالات اسلامی میان سالهای ۱۶۶۵ و ۱۹۸۰ به وسیله انتشارات Adiyok منتشر ساخت. او درین دو ضمیمه توانسته است مشخصات مقالاتی را که پیرسن در مجلدات ایندکس اسلامی کوس بنیاد یافته خود ندیده است. یا مقالاتی را که بئن خود ندیده بوده و نیز مقالاتی که از دید ناظران کنونی نشریه ایندکس اسلامی کوس در نشریات دور چاپ دیریاب به دور مانده است برای پیشرفت تحقیقات گرد آورد. این دو جلد بمانند جلد پیشین آن برای رشته ایرانشناسی هر کتابخانه تحقیقاتی ایران از ضروریات خواهد بود.

Index Islamicus. Supplement 1665-1980.

Part I (1995) 897 P. (دویست دلار).

Part II (1996) 229 P. (هشتاد دلار).

نام و نشان جناب بئن برای تهیه کتاب چنین است.

Adyok - Rosenheimer ST.5

10781 Berlin. Germany

تصویر حاجی میرزا رضا قلی

تصاویر قلمی که از نویسندگان در روزگاران چاپ سنگی در کتابها دیده می شود متعدد نیست. یکی از قلمبهای خوب و ظریف تصویر حاجی میرزا رضا قلی مؤلف منظومه حدیث



o دماوند فیلی بین

کساست که در سال ۱۳۱۰ قمری خود قصد طبع آن را داشت ولی توفیق نیافت بعدها در دوره پادشاهی مظفرالدین شاه (۱۳۱۵) به خط محمدحسین شریف چاپ شده است.

۸۲

دماوند فیلی بین

سالها پیش که گذارم بدان سرزمین افتاد عکسی از کوه آتشفشانی دماوند مانند آنجا آوردم که اکنون در لابلائی اوراق گذشته به دست آمده است و در تازه‌های ایرانشناسی چاپ می‌شود، اگرچه ایرانشناسی نیست.

ویرانه برجی که نزدیک کوه مانون Mayon دیده می‌شود برج ناقوس (زنگ) Cagsawa و مرتبط با شهر Daragao است.

ایران و روس: قند و کبریت

در میان اوراق بازمانده از تقی‌زاده نامه‌ای بی‌امضا و «خیلی محرمانه» دیدم که روی کاغذ به سرعنوان وزارت مالیه در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۱۰ با خطاب «دوست عزیز محترم» نگارش یافته است. خط کیست درنیافتم ولی به خطی خوش است.

خیلی محرمانه - دوست عزیز محترم

تکلیف خود می‌دانم در عالم لزوم رعایت منافع مملکتی آنچه به نظرم درباب قرارداد

تجارتی با روسها می‌آید عرض کنم و لهذا صریحاً عرض می‌کنم که تعیین مبلغ بی‌مقدار یا مقدار بی‌مبلغ برای قند و کبریت مضر و خطرناک است و موجب زحمت کلی و بستگی دست ما و دیکتاتوری آنها می‌شود.

برای کبریت نظر به تجربه‌ای که حاصل شده می‌توانم عرض کنم صد میلیون قوطی بیشتر نباید گرفت آنهم حتماً و قطعاً با تعیین قیمت مثلاً سیصد الی چهارصد هزار ریال. و برای قند هم باید فعلاً کل احتیاج ایران را به من معین کرد و قدری کمتر از آن منظور نمود. و قیمت را پس از تحقیق صحیح و دقیق معین و درج کرد. (مثلاً شاید منی شصت الی هشتاد دینار پول جدید) و غیر از این اسباب زحمت کلی برای مملکت تواند شد.

قند فارسی در هند

کتابهایی که دربارهٔ ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در سرزمین پهناور هند به چاپ می‌رسد به تصادف از سوی دوستان هندی می‌رسد. کاش فهرست نگار پرتوانی چون دکتر سید عباس یا دکتر شریف قاسمی به مناسبت علاقه‌مندی که نسبت به زبان فارسی دارند کتابشناسی کتابهای مربوط به تاریخ و ادبیات فارسی را که در پنجاه سال اخیر در هندوستان و همچنین پاکستان و بنگلادش و سیلان نشر شده است گرد می‌آورند و مرحمت می‌کردند تا در ایران به چاپ برسد. اطمینان داشته باشند هر یک از مؤسسات علمی کشور چنین خدمت ارزشمند را با شوق بسیار ارج می‌گذارند و به سرانجام خواهد رسانید.

پیش از همه باید از چاپ عکسی نسخهٔ خطی دیوان حافظ توسط کتابخانهٔ عمومی پتته یاد کنم. این نسخه تاریخ کتابت ندارد ولی چون خوشخط و مذهب بوده از جمله کتابهای دم دستی سلاطین گورکانی بوده و در نزد کتابداران کتابخانهٔ مذکور به «نسخهٔ شاهان مغولیه» نامبردار شده و به همین عنوان به چاپ رسیده است (چاپ دهلی، ۱۹۹۲). چند یادداشت هم از پادشاهان آن سلسله کنار صفحات دیده می‌شود. یادداشتها در موضوع تفأل آنهاست.

کتابشناسی هخامنشی

در فهرست ماهانهٔ کتابهایی که به مجموعهٔ شرق‌شناسی دانشگاه توپینگن (آلمان) افزوده می‌شود نام کتاب مهمی را دیدم که هنوز خودش را ندیده‌ام و آن کتابشناسی روزگار شاهنشاهی هخامنشی است. گردآورندهٔ آن اورسولا وبر نام دارد.

Ursula Weber: Das Reich der Achameniden:

eine Bilbliographie. Berlin, Reimer. 1996. 756 s.

این کتابشناسی پانزدهمین نشریهٔ منفرد سلسلهٔ انتشارات باستانشناسی ایران است.

روزی هزارها اتومبیل که چندین هزار مسافر دریادوست را از تهران و شهرهای دیگر به چالوس می‌رسانند در میدانک نزدیک سیخ‌رود که کمی به نسا مانده از کنار بقعه‌ای می‌گذرند بدون آنکه عنایتی داشته باشند به اینکه این بقعه سنگی گذشته‌ای دارد و گوشه‌ای از تاریخ سرزمین است. عده‌ای که گرسنه باشند و تنخواهی به اندازه در کیسه داشته باشند برای خوردن خوراک به رستوران کسری که روبروی آن نقطه است وارد می‌شوند و پس از سیر شدن راه خود را می‌گیرند و می‌روند. بسیار اندکند آن چند نفری که قدمت و اهمیت بقعه توجهشان را جلب کند و احياناً چهل پنجاه قدمی پیش بروند و سری به بقعه بزنند و از مردم محلی بپرسند این بنای استوانه‌ای گنبددار کهنه چیست؟

امسال چندین بار از کنار آن گذشتم. همه بار آن را به چشم نگران می‌نگریستم که میبادا به کاهدانی و انبار علوفه بدل شده باشد. پربروزه که از آنجا گذشتم متوجه شدم خطری بیش پیش آمده است و آن خطر این است که سنگ و خاک و کلوخهایی را که از تونل نزدیک بدان درمی‌آوردند با کامیون‌هایی هیولا به نزدیک آن می‌آورند و آنها را بر روی هم تلبار می‌کنند و توده عظیمی هم اکنون نزدیک به آن ریخته شده است و چه بسا که حریم بقعه را از خاک بیوبارند. این بقعه خاکجای یکی از ملوک مازندران است که در جنگی یا به بیماری درگذشته و در میدانک به خاک سپرده شده و این بقعه خوش طرح زیبا بر آن طراحی و بنا شده است. احتمال دارد به مناسبت جنگی که میان او و ساکنان قلعه «کسیل» روی داده بوده است گشته شده باشد. قلعه کسیل حدود سه کیلومتر با این محل فاصله دارد و بقایای آن هنوز باقی و آن هم از لب جاده دیدار کردنی است.

خدا رحمت کند سپهد فرج‌الله آق اولی و سیدمحمدتقی مصطفوی را که با دریافت نامه یادآوری ستوده و من فوراً دستور تعمیر آن بنا را که نیمه مخروبه شده بود دادند و به صورتی خوب مرمت آن پایان گرفت.

اینک هم انتظار می‌رود میراث فرهنگی هرچه زودتر وزارت راه و شرکت پیمانکاری تونل را متوجه جنبه تاریخی این بقعه نماید و تابلویی را که انجمن آثار ملی در آنجا نصب کرده بود مجدداً نصب و بدان وسیله توجه عابران تاریخ‌دوست را به دیدن آن جلب کنند.

اسپی مزگت

سالها پیش منوچهر ستوده در کتاب کم‌مانند «از آستارا تا استاریاد» به معرفی «اسپی مزگت» (مسجد سفید) که نزدیک «پره‌سر» (طالش) است پرداخت. این مسجد ویرانه که مقداری از ستون و سقفهای آن باقی است و از آجر ساخته شده کنار پارک جنگلی گیسوم Gisum است. ولی چون درختها و نهالهای طبیعی آن را کاملاً پوشانده به چشم آمدنی نیست، مگر بدانید بقایای مسجدی از روزگار گذشته در میان درختان آزاد و شمشاد نهان شده است.

آنچه درین بنا اهمیت دارد کتیبه گچی است که به فاصله یک متر زیر سقف به خط کوفی

ساخته شده. بر ازاره پادامن دیوار داخلی هم نقوشی از جنس ساروج تعبیه شده است و این همه را ستوده در کتابش آورده و با عکسهای گویا همراه کرده است.

اما چرا سازمان جنگلبانی که دلسوزانه مراقب پارک جنگلی است مراقب این مسجد دیدنی و حفظ شدنی که بیش از یک کیلومتر از جاده فاصله ندارد نیست. چرا میراث فرهنگی از مراقبان پارک نخواستند که گاهی به آنجا سری بکشند و مانع تخریب گنج بایان بشوند. این بار با مهندس اسلام پناه و احمد اقتداری (۶ شهریور ۱۳۷۵) که به آنجا سرکشیدیم دیدم کنار یکی از جزرها حفره‌ای به اندازه یک متر مربع و در وسط حیاط گودالی به عمق سه متر ایجاد کرده‌اند. اگر میان مؤسسات دولتی همفکری و همکاری در حفظ این گونه آثار انجام شدنی بود این مسجد ویرانه اما دیدنی را از درختان جنگلی که در پها و دیوارهای آن ریشه دوانیده‌اند پاک و پاکیزه و چون نگینی نمودار می‌ساختند تا مسافران از آنجا دیدن کنند. این وظیفه‌ای است که میراث فرهنگی و بخشداری و جنگلبانی و وزارت راه و اداره جهانگردی می‌توانند با هم انجام دهند و صدمه‌ای به بودجه هیچ یکشان نمی‌زند.

دو پل تاریخی خداآفرین

در ناحیه خداآفرین ارس دو پل کهن هست که یادگار روزگاران باستانی است. هر دو سنگی است. یکی که کهن ترست گردن کشیده ترست و دهانه‌هایی دارد که قوسهای آن حکایت از پیش از اسلام دارد. پایه‌ها از سنگهای تراشیده سفید رنگ بزرگ است. دیگری پانزده دهته است و سنگی است و سیه چرده. این دو پل برای گذشتن ازین سوی جنوب ارس به سوی شمالی آن بوده است. اکنون پل آهنی استواری جانشین آنهاست.

چاپ دوم مکارم الاخلاق

در چهارمین دفتر (۱۳۷۴) از «مجموعه رسائل فارسی» که زیر نظر آقای نجیب مایل هروی با حسن سلیقه به چاپ رسیده متن مکارم الاخلاق خواندمیر که در احوال و مناقب امیرعلی شیر نوائی است به اهتمام آقای محمد اکبر عشیق (افغانی) بر اساس نسخه موزه بریتانیا (مورخ ۱۹۶۵) و دیگری نسخه مستنسخ از روی نسخه مورخ ۱۰۷۸ به چاپ رسیده است. به این مناسبت ضرورت دارد گفته شود که استاد تورخان گنجه‌ای چاپ عکسی نسخه موزه بریتانیا را با مقدمه و فهرستهای اشخاص و اماکن و کتب در سال ۱۹۷۹ در سلسله انتشارات اوقاف گیب منتشر ساخته بود.

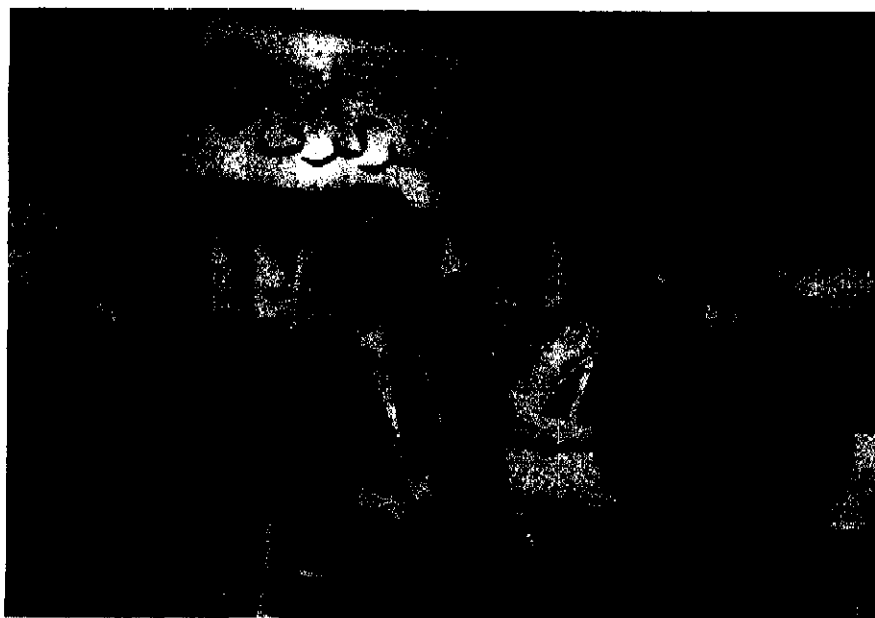
خبرنامه «الفرقان»

دومین خبرنامه الفرقان - که سالیانه خواهد بود - به درآمد. مندرجات این دفتر متنوع تر و بهتر از نخستین دفتر آن است. چون مقدار زیادی از منابع ایرانشناسی در زبان عربی است و بخش



○ ایرج افشار

عظیمی از نوشته‌های بزرگان دانشمندان ایران به آن زبان است ناچار از آنیم که همواره از وضع متون و نصوص عربی آگاه باشیم و به نشریات خبررسان عربی نگاهی بیفکنیم. پس این چندبند درین شماره آورده می‌شود. حق آن است کتابخانه ملی ایران ازین دست اخبار که مربوط به فعالیتهای کتابخانه‌های ایران باشد گرد آورد و به آگاهی دیگران برساند. «نشر دانش» در دوره انتشار می‌کوشید که چنین خدمتی را انجام دهد. مباحثی که درین شماره آمده، بجز یادداشت مؤسس و رئیس عبارت است از اطلاعات تازه درباره فهرست‌نگاری، کنفرانس نگاهداری نسخ خطی (که در نوامبر ۱۹۹۵ برگزار کرده‌اند)، دائرةالمعارف مکه و مدینه (که به اهتمام مؤسسه در جده آغاز به کار کرده است و مدیران دو دائرةالمعارف اسلامی ترکیه و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ایران اعلام همکاری و یاری بدان کرده‌اند)، طرح تشکیل اتحادیه نگاهبانی نسخ خطی اسلامی، نمایشگاهها، اعلام سخنرانی عمومی خانم آنماری شیمل درباره محمد اقبال لاهوری، گزارش سخنرانیهای عمومی پیشین (از پروفیسور یوسف ابیش درباره تعاون میان ارباب حرف در دمشق عصر عثمانی - محمود صالح المهدی درباره موسیقی در تمدن اسلامی همراه نواختن عود و قانون و طبله - محمود فهمی حوییدی درباره دموکراسی در اسلام)، کتابخانه بنیاد و گسترش آن با خبر دادن از وصول فهرستها و مراجع جدید به زبانهای مختلف و از جمله فهرستهای ایران (مانند فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه استانبول تألیف توفیق شبحانی و حسام‌الدین آق‌سو و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله فاضل خوانساری در خوانسار در دو جلد که من هنوز در تهران ندیده‌ام و از خبر نشرش در این خبرنامه بر نشر آن مطلع



○ ایرج افشار - مجتبی مینوی و محمدتقی دانش‌پژوه. روبروی محل قدیم کتابخانه مرکزی در زیرزمین دانشکده علوم (۱۳۴۵). گیرنده عکس پیرحسام‌الدین راشدی (پاکستانی).

شدم)، انتشارات تازه و آینده بنیاد، اسامی بازدیدکنندگان، معرفی معهدالمخطوطات العربیة و تاریخچه فعالیت آن، خبرهایی از کانادا، دوی، مصر، استونی، ایران (آگاهیهای مربوط به کتابخانه آیه‌الله مرعشی در قم)، ایرلند، اردن، لبنان، مراکش، عمان، عربستان سعودی، اسپانیا، سوریه، انگلستان، یمن که همه گزارشها حکایت از فعالیتهای دلپسند درباره حفظ نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی و تشکیل مجموعه‌ها و نظایر آنها دارد.

اهم اخبار مندرج درین بخش عبارت است از اینکه:

آدام گاجچک A.B Gacek مدیر کتابخانه مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل مجموعه‌ای از ۱۳۷۳ اصطلاح عربی مربوط به نسخ خطی را جمع و نشر کرده است. این دفتر در لیدن (هلند) انتشار یافته.

Glossary of the Arabic Manuscript Book (Leiden, Ter L ugt Press)

از بخش مرمت و صیانت کتابخانه مؤسسه «جمعةالماجد» (دوی) نوشته‌اند در مدت دوسال بیش از هفتصد نسخه خطی را ترمیم کرده‌اند و این بخش توانایی آن دارد هرگونه نسخه آسیب‌دیده و معیوب را مرمت کند. حتی گفته‌اند انواع کاغذهای قدیمی و سنتی را می‌توانند بسازند.

مؤسسه RITSEC (قاهره) متن هفتاد و پنج نسخه خطی معتبر و مهم عربی را که در کتابخانه دانشگاه پرینستون نگاهداری می‌شود بر روی CDRom منتشر کرده است. نام این مجموعه را «گنجینه‌های تمدن اسلامی "Treasures of Islamic Civilisation"» گذارده‌اند.

مؤسسه مذکور، با همکاری مؤسسه عتیقات و مخطوطات یمن و بر اساس طرح یونسکو توانسته است برای نسخه‌های خطی صنعا نیز چنین کاری را آغاز کند.

بخش نسخ خطی و کتابهای نایاب در دانشگاه تارتو (استونی) یادآور شده است که در آن بخش چهل و نه نسخه خطی اسلامی هست (۲۹ عربی - ۱۰ فارسی - ۱۲ ترکی) و قدیمی‌تر از همه نسخه فارسی شعری را دانسته‌اند که از قرن نهم هجری است (کاش نام آن را داده بودند). نیز گفته‌اند اغلب نسخه‌ها آرایشی است.

وزارت فرهنگ و میراث ملی نخستین جلد فهرست مجموعه خطی موجود در «دارالوثائق والمخطوطات» را منتشر کرد (۱۹۹۵). این جلد خاص معرفی نسخ عربی مربوط به علوم است. جلد دوم به معرفی نسخ ادبی اختصاص خواهد داشت.

دانشگاه اسلامی مدینه (الجامعة الاسلامیة) درین سالها پنج فهرست نشر کرده است با نامهای: فهرس کتب القراءات القرآنیة - فهرس کتب السیرة النبویة والصحابة - فهرس کتب القواعد الفقهیة و اصول الفقه - فهرس کتب التراجم - فهرس کتب التاريخ و الرحلة و الجغرافیة.

کتابخانه عمر بن ملک عبدالعزیز در ریاض که در سال ۱۹۸۸ بخش نسخ خطی تأسیس کرد اکنون دارای ۲۳۷۰ نسخه خطی و ۲۵۰ میکروفیلم و ۱۳۵ عکس است. ازین تعداد یکهزار و ششصد و بیست نسخه فهرست و در دو مجلد نشر شده است.

کتابخانه ملی ریاض با توافق کتابخانه پرینستون (امریکا) توانسته است از دوازده هزار نسخه خطی عربی محفوظ در کتابخانه اخیر میکروفیلم تهیه کند.

ضمناً گفته‌اند نسخه‌های خطی متعلق به کتابخانه ملک فهد و وزارت آموزش به کتابخانه ملی منتقل و تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه بالغ بر ۲۹۴۲ نسخه و حدود چهارده هزار میکروفیلم شده است.

مؤسسه زبان‌شناسی مادرید (اسپانیا) درصدد انتشار مجموعه Spanish Srah Sources برآمده، برای آنکه میراث اندلسیان پیشین را محفوظ نگاه دارد و در این راه می‌کوشد متون تاریخ و لغت و پزشکی و کشاورزی و نجوم و قواعد فقه را منتشر کند. اکنون نوزده متن را برای نشر به چاپ داده است.

مسئول عمومی «عتیقات یمن» گفته است تاکنون از هزار نسخه خطی کتابخانه‌های مختلف یمن میکروفیلم گرفته‌اند و فهرست نسخه‌های خطی مسجد بزرگ (کبیر؟) صنعا را در ده جلد که با همکاری متخصصان یونسکو نسخه‌های فرسوده و پریشیده را مرمت می‌کنند. دولت هلند با قراری دو جانبه متعهد شده است که وسایل و لوازم تجدید حیات کتابخانه «احقاف» را فراهم سازد.

شاید خواندنی‌ترین بخش خبرنامه آگاهی‌هایی است که از دوره دیدگان نسخه‌شناسی الفرقان در خبرنامه آمده است. الفرقان در سالهای ۵ - ۱۹۹۴ سه دوره تدریس فوق‌لیسانس تنظیم کرد (قاهره، استانبول، بندن). شصت نفر در این دوره‌ها شرکت کردند. این شصت تن از ممالک مختلف بودند و در بازگشت به کشورهای خود پیوندشان با الفرقان نگاه داشته و اطلاعاتی جسته‌گریخته فرستاده‌اند.

دکتر محمداسماعیل رضوانی استاد بازنشسته دانشگاه تهران و مورخ تاریخ دوران مشروطیت و آگاه بصیر بر منابع و مآخذ آن روزگار. مردی بود که توانست مجموعه‌ای بسیار معتبر و مهم از نشریات و جراید فارسی با ذوق و شوق تازه‌یابی و عشق به پیشرفت تحقیق گردآورد و یادگاری ماندگار از خویش بر جای گذاشت. که هر مؤسسه‌ای آن را بتواند خریداری کند. کوششهای پژوهش‌گرانه رضوانی را ارج‌گذاری کرده است. روانش شاد باد.

پس از او حسین کاظمی (نقاش نامور) در پاریس درگذشت. هفتاد و یک ساله بود اما به قول دوستم جلال ستاری که پارسال او را در پاریس دیده بود چندان شکسته و فرتوت شده بود که چهره نودسالگان یافته بود. نقاشی بود که در تحول نقاشی ایران مؤثر افتاد. شاید چهره‌ای که از صادق هدایت کشید به مناسبت شهرت و اهمیت هدایت در معرفی نقاش وسیله‌ساز بود.

نخستین تجربه او در عرضه کردن نمایشگاه به سال ۱۳۲۸ بود. سفری به کردستان رفته بود و نقاشیهای زیبایی از آن ناحیه کشیده و آورده بود و در کاشانه آپادانا (که به دست آجودانی تأسیس) شده بود به نمایش گذاشت و ولوله‌ای در شهر افکند. کاری بود جذاب و شاید اول بار بود که یک نقاش ایرانی که یک گوشه کشور را با تحفه‌های نگارین خود به مردم می‌شناساند. من در آن موقع با مجله جهان نو همکاری قلمی می‌کردم و مقاله‌ای در آن مجله نوشتم که در صفحات ۵۹۶ - ۵۹۷ سال چهارم به چاپ رسید و چند تصویر از پرده‌های کار او هم در آنجا منعکس شد.

آنجا نوشته بودم «براستی با دیدن تابلوهای رخت‌شویان، مزرعه، رقص کردی، مینا خانم، فرشته خانم، دایره زن بیننده سفری روحی به کردستان خواهد کرد. آفرین به کاظمی.»

دکتر جمشید مرتضوی دانشمندی که بیست سال از پایان زندگی را در فرانسه گذراند. توانست مشنوی مولانا را به فرانسه ترجمه کند، همچنین چند کتاب دیگر در زمینه آثار ادب متصوفه ایرانی را به زبان فرانسه درآورد و به دنیای غرب عرضه کرد درگذشت. درگذشت ایشان را به برادر بزرگوار دانشمندش حضرت منوچهر مرتضوی استاد میزبان ادبیات فارسی تسلیت می‌گویم.

دکتر ضیاءالدین سجادی از استادان و فضیلائی رشته ادبیات فارسی با تصحیح دیوان خاقانی و نشر شروخی درباره دیوان آن شاعر ناموری یافت. او پس از مرحوم سعید نفیسی در رادیو سالها پردازنده برنامه «در مکتب استاده» بود.

همچنین او در دانشگاه تربیت معلم سمت استادی ادبیات فارسی داشت.

دکتر رحیم عقیقی از پهلوی‌دانان و نیز از آگاهان در زمینه برخی از مباحث فرهنگ پیش از

اسلام بود. مخصوصاً به متون دوره اسلامی که مرتبط با روزگاران فرهنگ ایرانی شد علاقه مندی داشت. ارداویراف نامه و بهمن نامه از زمره کارهای ماندگار اوست.

اخیراً فرهنگ شعری زبان فارسی را که کتاب مفیدی است تهیه و نشر کرد. چندی پیش از آن حکم و امثال را که باز کتابی است مرجعی انتشار داده بود.

استاد دانشگاه مشهد بود و از یاران و مشاوران استادانی چون دکتر رجایی و دکتر رضایی و دکتر یوسفی و دکتر متینی بود که جملگی با دکتر علی اکبر فیاض دانشکده ادبیات مشهد را پایه گذاری کردند. صفا و صمیمیتی خاص داشت و حسن سلوک او مشهور بود.

دکتر محمد مقدم - روزی که سرگذشت کوتاهی از او را در کتاب «نثر فارسی معاصر» (۱۳۳۰) گذاشتم او نام خود را مهد مغدم یادداشت می کرد با جذبه ای و شوری که به ایران داشت «ایران کوده» را که نشریه ای خاص پژوهشهای ایرانی است با همکاری دکتر صادق کیا بنیاد گذارد. ذبیح بهروز هم با ایشان همکاری داشت. ایران کوده بی گمان نخستین نشریه ای است که اهتمامش بر انتشار مطالب مربوط به ایرانشناسی مخصوصاً در زمینه فرهنگ ایران باستان و زبانهای ایرانی و از جمله گویشهای آن بود.

دکتر مقدم بنیادگذار رشته زبانشناسی (به عنوان یک علم مستقل) در دانشگاه است و گروه زبانشناسی به دنباله آن. سالی چند هم در مقام معاونت دانشگاه تهران به امور اجرایی آن دانشگاه پرداخت و خدمت کرد. فهرست تألیفات او در کلک پیشین آمده است. دوست خوبی بود و از روزگاران دوری که نزدیک گلاب دره خانه بابرچی در باغچه خود ساخت (حدود ۱۳۲۹) و با منوچهر ستوده و مصطفی مقربی به دیدنش می رفتیم یادگارهای دلپذیر از ذوق سرشار و صفای او گنجینه خاطر ساخته ایم.

تسلیت از راه دور

درگذشت دوست دیرین عمده و دانشمند محمدتقی دانش پژوه، نسخه شناس و فهرست نگار بی مانند و کوشنده خستگی ناپذیر در نشر متون ناشناخته زبان فارسی را که از ارکان مسلم ایرانشناسی و از آگاهان رشته های معارف اسلامی و از استادان برجسته دانشگاه تهران و از کتابداران اثرگذار ایران و از بنیادگذاران «فرهنگ ایران زمین» و از نویسندگان اغلب مجله های تخصصی دانشگاهی و عضو افتخاری انجمن آسیایی و بخشنده کتابخانه خود برای استفاده عمومی به کتابخانه مینوی بود به فرزند نژاده او تسلیت می گویم (لس آنجلس، ۲۷ آذر ماه ۱۳۷۵). ایرج افشار.